

بررسی جایگاه

اخلاق از منظر شاهنامه

بر اساس کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه
(از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷)

زهرا قربانی پور

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و
تحقیقات تهران

چکیده

در این نوشتار تلاش شده تا بر اساس تمام پژوهش‌های فردوسی‌شناسی که از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷ در میدانگاه رویکرد دینی نگاشته شده است، به بررسی جایگاه اخلاق در آن پرداخته شود. در یک نگاه خواسته شد با تبیین و تحلیل پژوهش‌های فردوسی‌شناسی در این وادی، نشانه‌های اسلام، به‌ویژه جایگاه اخلاق در شاهنامه مورد بررسی قرار داده شود تا در جای جای این اثر سترگ ردپایی از اسلام، قرآن و احادیث نمایانده شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، فردوسی، پژوهش‌های فردوسی‌شناسی

مقدمه

در بررسی تطبیقی^۱ شاهنامه با قرآن، آیات و روایات اسلامی می‌توان پی برد که فردوسی بر آن بوده تا هم اصالت داستان‌ها را حفظ کند و هم روح و رنگ اسلام را بر سراسر شاهنامه بگستراند. به همین دلیل است که می‌توان ردپای آموزش‌های متعالی قرآنی و مکتب اهل بیت (ع) به‌ویژه اخلاق را در جای جای اثر گران‌قدرش یافت؛ برای نمونه در نگرش شاهنامه، به هنگامی که سختی‌ها به انسان روی می‌آورند؛ باید نیایش خداوند

را به‌جا آورد و هرگاه که انسان شاهنامه از پروردگار خویش خواهشی دارد، به سوی آسمان می‌نگرد و حتی مانند سیاوش صورتش را بر خاک می‌مالد.

هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی جایگاه اخلاق در شاهنامه فردوسی براساس کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه است. به این منظور از میان بیست عنوان کتاب که از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷ نگاشته شده، اندیشه‌های فردوسی در این میدانگاه کاویده شده است. این مقاله در پاسخ به این سؤال نگاشته شده است: جایگاه اخلاق از دیدگاه فردوسی در میان داستان‌های شاهنامه براساس کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷) چگونه است؟

اخلاق از منظر شاهنامه

فردوسی خواسته است همچون حکیمی توانا، مسائل دینی و خدانشناسی را برای همگان بازگو کند و سرودن حماسه را بهانه قرار داده است. سخن او در بسیاری موارد، ساختاری اسلامی دارد و نظم کلام او برخاسته از الگوهای اسلامی است. یکی سخت سوگند شاهانه خورد به روز سپید و شب لاژورد

(داستان سیاوش، ب ۲۵۱۷)، که متأثر از این آیات قرآن کریم است: والضحی و اللیل إذ سجی / واللیل إذا یغشی (ضحی: آیه ۲) (رستنده، ۱۳۷۸: ۱۶).

وی همه‌جا هشدار می‌دهد که خردمندان با تکیه بر خود، از قرب یزدان به دور می‌افتند. کنون ای خردمند روشن‌روان به‌جز نام یزدان مگردان زبان که اویست بر نیک و بد رهنمای وزویست گردون گردان به‌جای گر این پند من یک به یک نشنوی به آهنمن بدکنش بگروی (داستان خاقان چین، ب ۱ و ۲، داستان لشکر آراستن کیخسرو با افراسیاب، ب ۲۶۹۸). چرا که در منطق شاهنامه راه ایزد را باید با هدایت الهی یافت، نه با تفکر و اندیشه.

کنون پنج هفته‌ست تا من به‌پای همی خواهیم از داور رهنمای که بخشد گذشته گناه مرا درخشان کند تیره‌گاه مرا (داستان لشکر آراستن کیخسرو با افراسیاب، ب ۲۶۵۰ و ۲۶۵۱) آفریننده شاهنامه یگانه راه نجات و رستگاری را از ابدت و فروتنی در برابر راهنما می‌داند (آزاد، ۱۳۸۱: ۲۳) حکیم توس در کل شاهنامه بر توحید و

یگانگی ذات باری تعالی تأکید خاص دارد:

سکندر چو بر تخت بنشست گفت
که با جان شاهان خرد باد جفت،
که پیروزگر در جهان ایزد است
جهاندار کز وی نترسد بدست
(پادشاهی اسکندر، ب ۱ و ۲) و مهم‌تر
اینکه در خلال مندرجات نامه‌ها و مکتوبات
شاهان پیش از اسلام، معانی ظریف و والایی
از توحید را به کار گرفته است که جز در
قرآن و روایات و احادیث شیعه وجود ندارد
(ابوالحسنی منذر، ۱۳۸۸: ۱۷۴). هیچ‌یک
از داستان‌های شاهنامه، بدون حمد، ثنا
و سپاس خداوند تبارک و تعالی نیست.
هیچ‌یک از پهلوانان، قهرمانان و سرداران
شاهنامه، کارها و پیروزی‌هایشان را به خود
نسبت نمی‌دهند. همه آن‌ها اظهار می‌دارند
پیروزی یا شکست آن‌ها به خواست خداوند
بوده است؛ مثلاً در داستان هفت‌خوان، هیچ
خوانی نیست که رستم مدح و ثنای خداوند
را نگفته باشد. به دیگر سخن، رستم نماد
سالک است که می‌خواهد برای ستیز با نفس
خویش از پروردگار استمداد کند.
به جایی که تنگ اندر آید سخن
پناهت به جز پاک یزدان مکن

(پادشاهی کیکاوس و رفتن او به مازندران،
ب ۳۲۸) (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶: ۴-۳).
کی خسرو به مدد نام خداوند که قطعاً روزها
و شب‌ها در همه حال با خود آهسته زمزمه
می‌کرد، توانست تمام دیوان را هلاک کند. او
به حقیقت مصداق آیه ۲۷ سوره نور است:
رجال لاتلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله
(امین دهقان، ۱۳۸۳: ۶۷).

در بینش اعتقادی بزرگ‌مرد عرصه ادب
فارسی، گردش چرخ زمین و زمان، اوراق
زرین عالم طبیعت، فروغ زندگی خورشید و
ماه در پهنه آسمان، همه و همه آفریده و
محتاج اویند.

خداوند گردنده خورشید و ماه
روان را به نیکی نمایند راه

(منوچهر، ب ۵۹۷). همان‌طور که در قرآن
هم آمده است: «والله خلق کل دابة من ماء»:
«خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفرید». (نور؛
آیه ۴۵) (چوبینه، ۱۳۷۷: ۱۸). همچنین
نگارنده این اثر سترگ، آفرینش آسمان و
زمین برای خدمت به انسان در راه رسیدن

به کمال می‌داند.

جهان‌آفرین بی‌نیاز است از این
ز بهر تو باید سپهر و زمین
که یادآور این آیه قرآن است: «وإن تکفروا
فإن لله ما فی السموات و ما فی الأرض و کان
الله غنیاً حمیداً» (نساء: آیه ۱۳۱) (چوبینه
۱۳۷۷: ۳۳).

در نهایت از همه زیباتر و پرمعناتر باور داشتن
عدل الهی و دادگری خداوند است. اصلی که
آدمی را از ستم باز می‌دارد، چرا که پیوسته
خود را در پیشگاه عدل الهی حاضر می‌بیند.
درست به همین دلیل محکم، منطقی و
عقلانی است که فردوسی پیوسته از دادگری
خداوند، حاکمان ستمگر را می‌ترساند و
هشدار می‌دهد که با عدل خود، شما را به
عدالت دعوت کرده است؛ پس دادگر باشید و
یاور درویشان. در قرآن و کلام بزرگان دین،
مکرر بر لزوم اعتقاد به عدل الهی و رعایت
دادگری در زندگی آدمی تأکید شده است،
از جمله در قرآن کریم می‌خوانیم: و بترسید
روزی که بازگردانیده شوید در آن به سوی
خدا، پس به هر کس آنچه را که فراهم کرده
است، داده شود و ستم نشوند، سوره بقره/۲۸۱
(آزمایش، ۱۳۸۰: ۶۲-۶۱).

۱. حضور جاوید فردوسی در تاریخ به دلیل
طرح بزرگ و جامعی است که او از مدینه
آرامی انسان ارائه کرده است و بی‌تردید
داستان‌های شاهنامه خالی از لطایف حکمی،
نکات قرآنی و اخلاقی نیست.

۲. فردوسی حکیمی است که آگاه به مسائل
دینی است، چه شخصیت‌های شاهنامه در
جای جای داستان‌ها به هر حال که باشند باید
ستایش خداوند را به جا آورند (شخصیت‌هایی
چون کی خسرو، سیاوش و رستم).

۳. شاهنامه فردوسی در حقیقت گزارشی
کاملاً هم‌خوان با منابع اسلامی است.

۴. برای گریز از تکرار و واگویی حرف‌های
دیگران در این میدانگاه، بهتر است که گاه
این دست رویکردها مورد واکاوی ژرف‌تر قرار
گیرد، چه، در طی سال‌های پس از انقلاب
اسلامی، کاوش‌های پژوهندگان در این وادی
به هیچ وجه کافی نبوده و نیست و همچنان
نگاه‌هایی عمیق‌تر و موشکافانه‌تر را می‌طلبد.

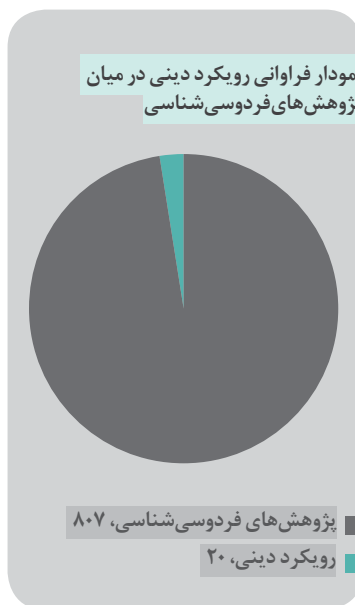
۵. رویکردهای تطبیقی با محوریت شاهنامه
از هر منظر که باشد سبب ارتقای دید و حتی
خلق دیدگاه‌های تازه می‌شود و به دنبال آن
درجه و کیفیت این اثر عظیم را بیش از پیش
بر ما و بر جهانیان آشکار می‌کند.

پی‌نوشت

۱. مراد از آن بررسی مشابهت‌ها و تحلیل ریشه‌های
مشترک در شکل‌گیری و بیان فحوای سخنان نویسندگان
در دو یا چند اثر است.

منابع

۱. آزاد، نرجس؛ گزیده‌ای از معارف قرآن و نهج البلاغه
در شاهنامه فردوسی؛ شیراز؛ انتشارات نوید شیراز؛ چاپ
اول ۱۳۸۱.
۲. آزمایش، سیدمصطفی؛ با فردوسی سلوک صوفیانه تا
دیار سیمرغ؛ تهران؛ انتشارات حقیقت، چاپ اول ۱۳۸۰.
۳. ابوالحسنی (منذر)، علی؛ بوسه بر خاک پی حیدراع؛
تهران؛ انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
چاپ اول ۱۳۸۸.
۴. امین دهقان، معصومه؛ مقایسه انسان فرهمند در
شاهنامه با ولی در مثنوی؛ تهران؛ انتشارات حقیقت؛ چاپ
اول ۱۳۸۳.
۵. پاپلی یزدی، محمدحسین؛ ثنا و ذکر خداوند
در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ مشهد؛ انتشارات
آستان قدس رضوی؛ چاپ اول ۱۳۸۶.
۶. چوبینه، سجاده؛ حکمت نظری و عملی در شاهنامه
فردوسی؛ شیراز؛ انتشارات نوید شیراز؛ چاپ اول ۱۳۷۷.
۷. حمیدیان، سعید؛ شاهنامه فردوسی چاپ مسکو؛
تهران؛ نشر قطره؛ چاپ دهم ۱۳۸۶.
۸. رستنده، مجید؛ قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی؛
همدان؛ انتشارات مفتون همدانی؛ چاپ اول ۱۳۷۸.
۹. قائم‌پناه، بدالله بسا مقدمه دکتر صابر امامی؛ عرفان در
شاهنامه؛ تهران؛ انتشارات حکایتی دگر؛ چاپ اول ۱۳۸۷.



نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این مقاله حاکی از آن است
که: